فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پنجاهم، بهار ۱۴۰۴- صفحات ۳۱۶-۲۹۵

# بررسی روابط اقتصادی ترکیه با روسیه در دوران پوتین

## نوع مقاله: پژوهشی

مهدی مهرداد[۱]
سید علی طباطبایی پناه[۲]
اردشیر سنایی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۹

**چکیده**

*این مقاله به بررسی روابط اقتصادی بین ترکیه و روسیه در دوران حکومت پوتین می‌پردازد. این دوره برشمرده می‌شود به‌عنوان یک دوره حیاتی در روابط دوجانبه این کشورها، که با تحولات سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای همراه بوده است. با بررسی تاریخی روابط دوجانبه و سپس به تحلیل سیاست‌های اقتصادی پوتین و تأثیر آن بر روابط اقتصادی با ترکیه می‌پردازد. همچنین، نقش ترکیه در روابط اقتصادی منطقه‌ای و تأثیرات تحریم‌ها و تغییرات جهانی بر روابط دوجانبه مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت استراتژیک این روابط برای منطقه و جهان، هدف از این مقاله به درک عمیق‌تر از دینامیک‌های اقتصادی و سیاسی منطقه اساسی باشد.*

**واژگان کلیدی:** روابط اقتصادی، ترکیه، روسیه، دوران پوتین، تأثیرات منطقه‌ای
**طبقه بندی JEL**:P10,P41,F10

---

۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
mehdimehrdad900@gmail.com
۲ استادیار دانشکده علوم سیاسی تهران مرکز (نویسنده مسئول) li.Tabatabaei_Panah@iauctb.ac.ir
۳ استادیار دانشکده علوم سیاسی تهران مرکز Ard.Sanaei@iauctb.ac.ir

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

**مقدمه**

روابط اقتصادی بین کشورها از جمله عوامل کلیدی در تعیین دینامیک‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان می‌باشد. در این راستا، روابط اقتصادی میان ترکیه و روسیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا دو کشور با وسعت و توان اقتصادی خود، به‌طور مستقیم بر روند توسعه‌ی منطقه‌ای و جهانی تأثیر می‌گذارند. با وجود تاریخچه‌ی پیچیده‌ای که دو کشور در پشت‌سر گذاشته‌اند، از جمله دوران‌های تنش و همکاری، دوران رهبری پوتین در روسیه نقش به سزایی در تشکیل و تغییر روابط اقتصادی میان ترکیه و روسیه داشته است .(نوری،۱۳۸۹: ۱۴۴). پوتین راهبرد ملی را سنتزی مترتب بر دیالکتیک منطقی بین واقعیات و اهداف محیط داخلی به‌عنوان تز و خواسته‌ها، ارزش‌ها و محیط خارجی به‌عنوان آنتی‌تز می‌دانست و به‌ضرورت تنظیم اهداف سیاست خارجی به مقتضای تعامل ترتیبی امکانات و خواسته‌ها داخلی و دیالکتیک دو محیط داخلی و خارجی توجه داشت. به همین واسطه، هنگام تعریف منافع ملی به این مهم آگاه بود که باید ذهنیت‌های سنّتی موقعیتِ ابرقدرتی را با منابع موجودِ قدرت متناسب کند، به این معنی که جزء اول این معادله مانع بازتولید جزء دوم نشود، بلکه زمینه‌ساز آن باشد. او به این مسئله نیز عنایت داشت که منافع ملی باید با ملاحظه منافع سایر کشورها و روندهای جهانی‌شدن و مسائل آن مطمح نظر قرار گیرد و محدود شدن به منابع داخلی بدون در نظر داشت جوانب دیگر نیز به‌اندازه محاسبه صرف مؤلفه‌های خارجی خطرناک است (زادوخین آ گ[۱]، ۱۳۸۴: ۳۱۷).

روسیه در دور پوتین با ملاحظه اینکه شرکای بزرگ تنها در غرب نیستند، روابط با جنوب و شرق را نیز مطمح نظر قرار داد، اما به این مهم نیز توجه داشت که توسعه روابط با چین، هند و کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا نباید این تصور را ایجاد کند که مسکو در پی ایجاد اتحادهای‌ی علیه غرب و آمریکا است. سیاست‌گذاران خارجی در دور پوتین به این درک رسیدند که اگر اهداف راهبردی روسیه مبتنی بر منطق ملاحظه منافع همه طرف‌ها باشد، قادر خواهد بود به‌نحو بهینه‌تری با مشکلات و تهدیدات پیش‌رو مقابله کرده و فرآیند توسعه این کشور را با سرعت بیشتر پیش ببرند (مارگلوف[۲]، ۲۰۰۳: ۲۴).

از منظر سیاست مداران روسی خاورمیانه و شمال آفریقا به‌عنوان یک حوزه جغرافیایی مجموعه ای از امتیازها همچون جهانی، منطقه‌ای و سیاسی را در خود جای داده‌بود که روسیه به آن توجه خاصی داشت و تلاش می‌کرد تا نفوذ گذشته خود را در آن احیا کند. روسیه در این دوران تلاش داشت تا در نقش قدرت بزرگ هنجارمند ظاهر شود (کولایی و نوری، ۱۳۸۹، ۲۲۸) برای دستیابی

۱ Zadukhin

۲ Margelov

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

به این اهداف روسیه مجبور بود بین منافع جهانی و منطقه‌ای به‌معنای یک شریک ثروتمند و سودمند برای غرب که برای سیستم بین‌الملل حیاتی است و فعالیت در سطح منطقه‌ای که در تلاش است تا نفوذ غرب را در این منطقه کاهش دهد مانور دهد. تأکید بر دومی به‌دلیل برخورداری از روابط مبتنی بر همکاری با همه کنش‌گران منطقه‌ای همچون ایران و ترکیه برای نفوذ در این منطقه باهدف موازنه بخشی بود.

در این دوره حتی نظامیان غرب‌گرایی مانند ژنرال تون جای کلینچ، رئیس شورای امنیت ملی ترکیه در مارس ۲۰۰۲ اعلام‌کرد؛ وقت آن رسیده است که آنکارا با کاهش تعهدهای راهبردی خود به غرب به‌دنبال متحدانی در روسیه و ایران باشد (ارشن[۱]، ۲۰۱۹: ۳۶). از این دوره به‌بعد توسعه همکاری‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی با روسیه جزء دستورکارهای اصلی تنوع سازی در روابط خارجی ترکیه بوده است. مشارکت راهبردی دو قدرت نوپدید در شرایط بازتوزیع ثروت بین‌المللی از سوی دیگر انگیزه‌های قوی اقتصادی دارد که آن‌ها را به تنوع سازی در شریک‌های تجاری و کاهش وابستگی به متحدان سنتی ترغیب می‌کند. با وجود این، در چنین بستری منافع اقتصادی مشترک در توسعه پیوندهای تجاری می-تواند تسهیل کند، پدید آمدن مشارکت راه بردی بین دولت‌هایی که نظام‌های سیاسی و چشم اندازه‌ای ژئوپلیتیکی واگرایی دارند (آقایی، طاهریی،۱۳۹۶، ۲۶۲). با توجه به این مسئله رشد سریع جریان تجارت و سرمایه میان ترکیه و روسیه از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ تا اواخر سال ۲۰۱۰ این برآورد را در تحلیل بسیاری از ناظران برجسته ساخت که روابط اقتصادی پایدار، در حال تحکیمِ بنیان‌های مشارکت راهبردی دو کشور است (اوزدال[۲]، ۲۰۱۳: ۵).

## ۱. پیشینه تحقیق

با بررسی‌های به عمل آمده در میان کتب و مقالات علمی معتبر به اثری برنخوردیم که موضوع تحقیق را مستقیماً مورد بررسی قرار داده باشد و هرکدام از آثار یاد شده به قسمتی از تحقیق پرداخته‌اند که به تعدادی از آنها اشاره می‌نماییم.

گل محمدی، ولی (۱۴۰۰)، در مقاله خود با عنوان «روابط ترکیه و روسیه در جهان پساغربی؛ از رقابت ژئوپلیتیکی تا مشارکت راهبردی؟» به این نکات پرداخته‌است: در این نوشتار این ایده اصلی را مطرح می‌کنیم که نزدیکی راهبردی ترکیه و روسیه خروجی برهم‌کنش بازتوزیع قدرت و ثروت بین‌المللی، بحران در اتحاد فراآتلانتیکی، ژئوپلیتیک در حال تغییر منطقه‌ای و پویایی‌های سیاست داخلی ترکیه است و به‌ضرورت به‌معنای ظهور مشارکت راهبردی بین دو قدرت اوراسیایی در یک

۱ Erşen
۲ Özdal

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

نظام بین‌الملل پساغربی نیست. هرچند شرایط نوین بین‌المللی بسترهای همگرایی ترکیه و روسیه را فراهم ساخته‌است، اما روابط دو کشور همچنان دارای عناصر مهمی از مناقشه و رقابت و متأثر از وضعیت روابط آن‌ها با غرب است. در این میان، نقش روابط نامتقارن اقتصادی، واگرایی راهبردی در حوزه انرژی، عاملیت ناپایدار رهبری اقتدارگرایانه پوتین و اردوغان و همچنین رقابت‌های ژئوپلیتیکی در معادلات در حال تغییر دریای سیاه، قفقاز جنوبی، شرق مدیترانه و خاورمیانه برجسته می‌شود.

کریمیان، علیرضا؛ کرمی، جهانگیر (۱۳۹۸)، در اثر خود «سیاست اوراسیایی ترکیه: منافع و دستاوردها» به این نکات پرداخته‌اند: این مقاله به سیاست‌های ترکیه در حوزه اوراسیا در طول دوره زمانی پس از جنگ سرد متمرکز است. پرسش اصلی این مقاله به دستاوردها و نتایج سیاست ترکیه در این حوزه و چگونگی تحقق آن مربوط است و این ایده را بسط می‌دهد که دولت ترکیه در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از شرایط مساعدی برخوردار بوده و از این رو، کوشیده است تا از این مولفه‌ها و موقعیت‌ها بهره لازم را ببرد. آنکارا در سطح داخلی با وجود دو نگرش متفاوت سکولار قومی و مذهبی در سیاست خارجی، اما نقطه مشترک هر دو آنها منافع ملی و اولویت بخشی به اقتصاد و تقویت بخش خصوصی بوده و لذا در تعامل با کشورهای منطقه نیز با دست برتری برخورد کرده‌اند. در سطح منطقه‌ای با وجود اختلاف با ارمنستان و کدورت‌هایی که با ازبکستان پیش آمده اما در مجموع نگاه دولتمردان کشورها این حوزه به آنکارا بسیار مساعد بوده است. در سطح بین‌المللی نیز شرایط چندان به زیان دولت ترکیه و اقداماتش در آسیای مرکزی و قفقاز نبوده است و از این رو، با ظرفیت بیشتری نسبت به ایران در این عرصه حضور یافته‌است.

## ۲. مبانی نظری

لیبرالیسم در روابط بین‌الملل به‌عنوان یک مکتب فکری در خوش بینی عصر روشنگری قرن هیجدهم، لیبرالیسم اقتصادی قرن نوزدهم و ایده آلیسم ویل سونی قرن بیستم ریشه دارد. شاید مهم‌ترین ویژگی لیبرالیسم این باشد که اساساً نگاهی خوش بینانه به سیاست بین‌الملل دارد. به باور لیبرالیسم سیاست بین‌الملل به‌طور ذاتی پر منازعه و خشونت‌بار نیست و دسترسی به صلح و امنیت امکان‌پذیر است. لیبرالیسم در روابط بین‌الملل بر این باور است که به‌علت سه جریان عمده در عرصه بین‌المللی، کشورها به‌سمت همکاری بیشتر گام برمی دارند:

نخست، روند وابستگی متقابل میان کشورها به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی و تجاری که موجب می‌شود کشورها به سبب همکاری با یکدیگر فایده بیشتری ببرند و همزمان دریابند که هزینه منازعه افزایش یافته‌است. چون هزینه جنگ بسیار بالاست، کشورها برای فرار از ضرر و زیان و رسیدن به سود منفعت و امنیت سرمایه‌گذاری به‌سمت گسترش روابط متقابل و افزایش همکاری سوق می‌یابند؛

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

دوم اینکه وابستگی متقابل اقتصادی فزاینده موجب ظهور و ایجاد یک سلسله، هنجارها، قواعد و نهادهای بین‌المللی می‌شود که برای ایجاد تسهیل و همکاری میان کشورها به وجود می‌آیند و سوم اینکه جریان دموکراسی شدن بین‌المللی که طی آن حکومت‌ها بیشتر دموکراتیک می‌شوند موجب کاهش منازعه و افزایش همکاری می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مباحث اصلی لیبرالیست‌ها این است که وابستگی متقابل اقتصادی یا تجارت موجب بهبود و افزایش روابط سیاسی یا صلح خواهد شد.

### ۱-۲. تاریخچه روابط ترکیه و روسیه

روسیه و ترکیه در طول تاریخ مجموعاً ۴۴ سال با یکدیگر درگیر جنگ بوده‌اند که در این مدت تجربه ۱۱ جنگ را پشت‌سر گذاشته‌اند. علت این جنگ‌ها در این جمله معروف نیکلای، تزار روس در اولین سال سلطنتش در سال ۱۸۲۵ نهفته‌است: «شأن و حیثیت تزار روس در راه بیزانس قرار دارد (واحد، ناوان ۲۱/۹/۱۳۸۳) سه سال بعد و در سال ۱۸۲۸ جنگ سختی میان روس‌ها و ترک‌ها آغاز شد که در پایان آن امپراتور تضعیف شده عثمانی برای جلوگیری از سقوط استامبول معاهده تحمیلی روس ها را پذیرفت و این البته آغازی بر فروپاشی امپراتوری بزرگ عثمانی بود هر چند نزدیک به دو قرن از آن سال‌ها می‌گذرد و ترک‌ها و روس‌ها پس از پشت‌سر گذاشتن تاریخی پرفراز و نشیب قصد از سرگیری فصل تازه‌ای از مناسبات را دارند؛ اما حافظه تاریخی منفی در بین طرفین؛ به‌ویژه در ترکیه نسبت به روسیه وجود دارد (کریمیان، ۱۳۹۸، ۱۲). رابطه دو کشور به‌ویژه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و پیگیری سیاست خارجی نگاه به شرق این حزب گسترش چشمگیری یافت در این دوره، تغییرات سیاسی و اقتصادی در عرصه‌های داخلی موجب تغییر فعالیت‌ها و بازبینی سیاست خارجی گذشته شد. طرح استراتژی احمد داوود او غلو وزیر خارجه ترکیه مبنی بر تنش صفر با همسایگان به موتور محرکه ای برای گسترش روابط ترکیه با اکثر کشورهای همسایه تبدیل شد. از سوی دیگر، تئوری «عمق استراتژیک نیز که از طرف احمد داوود او غلو مطرح شد، بر اساس افزایش نفوذ ترکیه در منطقه به‌خصوص کشورهای آسیای مرکزی بود که دارای مشترکات فرهنگی، زبانی مذهبی و قومی زیادی با ترکیه بودند. در این دوران و به‌خصوص حضور مستقیم غرب در منطقه و عراق و کاهش نقش استراتژیک ترکیه، آنکارا بر اساس سیاست نگاه به شرق و برای بازتعریف نقش تاریخی و جغرافیایی خود و ایفای نقش منطقه‌ای پررنگ و تبدیل شدن به پل و کانون انتقال انرژی از روسیه و مناطق آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا تلاش‌های گسترده‌ای انجام داد در مقابل روسیه هم در جهت همکاری با آنکارا گام‌های زیادی را برداشته‌است. در روند بهبود روابط، پوتین نخستین رئیس‌جمهور روسیه بود که پس از ۳۲ سال در سال ۲۰۰۴ از ترکیه دیدار کرد و در این سفر دو

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

کشور شش موافقت نامه همکاری در زمینه، انرژی تجارت، امور مالی و امنیت امضا کردند (والاندر[۱]، ۲۰۱۸: ۲۰۸). و در ادامه روابط حسنه اردوغان در ژوئیه ۲۰۰۵ با پوتین در سوچی ملاقات کرد در سال ۲۰۰۸ ترکیه از انتقاد جدی و سخت علیه روسیه نسبت به جنگ روسیه و گرجستان خودداری کرد در سال ۲۰۰۹ عبدالله گل از روسیه و جمهوری تاتارستان بازدید کرد و این بازدید نشان داد که نگرانی روسیه از رشد گرایش پان ترکیسم ترکیه در منطقه کاهش یافته‌است.

در سال ۲۰۱۰ رئیس‌جمهور مدودوف از آنکارا بازدید کرد و هفده موافقت نامه همکاری امضا شد و شورای همکاری بین دو کشور ایجاد شد که می‌تواند نشان دهنده سطحی از همگرایی بین این دو کشور باشد در نشست شورای همکاری دو کشور در سال ۲۰۱۰ مطرح شد که دو کشور باید کوشش کنند تا سطح تجارت آنها از حدود ۳۰ میلیارد دلار به ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ برسد(پریماکوف[۲]، ۲۰۱۶: ۶).

### ۲-۲. آینده روابط دو کشور

در این قسمت دو مورد از مؤلفه‌های کلیدی لیبرالیسم را در روابط دو کشور بررسی می‌کنیم بر اساس نگرش لیبرالیستی کشورها از وابستگی متقابل استقبال نموده و حتی در جهت تعمیق این روابط اقتصادی، برای رسیدن به همکاری سیاسی و صلح استقبال می‌کنند؛ اما در بررسی روابط تجاری دو کشور روسیه و ترکیه نه‌تنها علاقه‌ای برای افزایش و تعمیق این وابستگی مشاهده نمی‌شود؛ بلکه می توان کاملاً تلاش دو کشور را برای فرار از وضعیت فعلی و کاهش وابستگی مشاهده نمود و دیگر آنکه تفاوت‌ها و اختلافات دو کشور در عرصه سیاسی نشان‌می‌دهد که گسترش روابط اقتصادی دو کشور باعث نزدیکی سیاسی و تشابه نظرات نشده است. از جمله کوشش‌های دو کشور برای کاهش وابستگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در اسناد رسمی دولت روسیه به‌عنوان اولویت‌های استراتژی انرژی روسیه تا سال ۲۰۳۰ موارد زیر مشخص شده‌است که نشان دهنده علاقه به کاهش روابط انرژی به ترکیه است؛ از جمله ۱-کاهش وابستگی حمل و نقل به ترکیه تا سال ۲۰۳۰ م.؛ ۲- تنوع مسیرهای صادرات به اروپا؛ ۳-تنوع در بازارهای مصرف؛ به‌ویژه در آسیا در راستای این سیاست بلندمدت؛ از جمله اقدامات روسیه در کاهش وابستگی به ترکیه برای انتقال انرژی می‌توان به طرح‌های انتقال انرژی بدون استفاده از ترکیه به موارد زیر اشاره کرد:

---

۱ Wallander

۲ Primakov

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

۱. طرح خط لوله جریان جنوبی که در سال ۲۰۱۲ برای انتقال گاز از دریای سیاه به بلغارستان، صربستان و اروپا مطرح شد.
۲. طرح جریان انتقال گاز از شمال که در سال ۲۰۱۱ برای انتقال گاز از طریق مرز فنلاند به آلمان و انگلیس و هلند مطرح شد.
۳. طرح لوله نفت بورگاس - الکساندر و پولیس که از سال ۲۰۰۵ برای انتقال نفت روسیه از طریق دور زدن تنگه‌های به سفر و داردانل از روسیه به بلغارستان و یونان و دریای اژه مطرح شد.
۴. عدم علاقه به اجرای طرح خط لوله سامسون به جیهان که شمال ترکیه را به جنوب این کشور متصل می‌کرد (در سال ۲۰۰۹ تنها پس از موافقت ترکیه با جریان جنوبی شاهد حمایت روسیه از طرح سامسون-جیهان هستیم)

در خصوص کشور ترکیه نیز از آنجا که حداقل ۷۵ درصد از واردات ترکیه در مورد انرژی از روسیه است، شاهد کوشش این کشور برای کاهش وابستگی به انرژی روسیه و تنوع بخشی به تأمین کنندگان انرژی برای خود هستیم از جمله این کوشش‌ها:

- طرح خط لوله گاز باکو، تفلیس ارزروم که در سال ۲۰۱۳ به بهره برداری رسید.
- خط لوله نفت- باکو- تفلیس- جیهان که در سال ۲۰۰۶ به بهره برداری رسید. انعقاد معاهده فروش گاز آذربایجان به ترکیه در سال ۲۰۱۱.
- همکاری در خط لوله گاز ترانس آناتولی که از سال ۲۰۱۴ طرح شد و قرار است گاز آذربایجان را به ترکیه و بعد به اروپا برساند، این خط قرار است در سال ۲۰۱۸ به بهره برداری برسد.
- انعقاد معاهده انتقال نفت از عراق به ترکیه از طریق خط لوله کرکوک جیهان در سال ۲۰۱۲ (آبراموف[۱]، ۲۰۱۷: ۱۳۰).

علاوه بر تنوع خطوط انتقال، انرژی ترکیه اقداماتی را برای تنوع بخشیدن به نیار انرژی و افزایش برنامه ریزی برای استفاده از انرژیهای باد و خورشید اجرا کرده است که با هدف رسیدن به ۳۰ درصد از سهم این انرژی در مصرف کل کشور تا سال ۲۰۲۳ افزایش تعداد نیروگاه‌های برق آبی از ۱۳۰۰ مورد در سال ۲۰۱۳ به حدود ۱۵۰۰۰ مورد در سال ۲۰۲۳ را در دستور کار قرار داد (ارشن[۲]، ۲۰۱۹: ۳۶).

۱ Abramov
۲ Erşen

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

### ۳-۲. تحولات سیاسی و اقتصادی ترکیه

در دوران زمامت اوزال، بخش‌های مغفول مانده در اقتصاد دولتی و فرسوده ترکیه که به‌تازگی خصوصی شده‌بودند، شروع کردند به جذب سرمایه خارجی و گسترده خود. اولین تلاش‌های موفقیت‌آمیز در انباشت سرمایه در بخش آناتولی ترکیه که فرصت‌های اقتصادی بکری بود به بار نشست. شرکت‌هایی متعدد در آناتولی بدون حمایت دولت شکل گرفتند؛ این تحولات از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷ صورت گرفت و با برخورد به موج اول بحران اقتصادی، متوقف و سبب ورشکسته شدن بسیاری از این شرکت‌ها شد؛ در این سال توقف و رکود، اقتصادی، باعث شد که رشد اقتصادی ترکیه متوقف شود. دولت برای جذب سرمایه خارجی، بیشتر سیاست درهای باز[۱] را پی گرفت و کنترل خود را بر ورود و خروج سرمایه‌های خارجی بسیار کم کرد (کوستوم[۲]، ۲۰۱۸: ۸).

پیامدهای سیاست نئولیبرال اقتصادی اوزال در دهه ۱۹۸۰ خود را به این صورت نشان داد: تضعیف سنت دولت، سالاری ظهور سرمایه سبز آناتولی تقویت بخش خصوصی و تضعیف کمالیسم؛ این موارد در راستای نظریه نئولیبرالیسم صورت گرفت و کم کم از سطح بین‌المللی به عرصه سیاست داخلی ترکیه وارد شد و سیاست خارجی ترکیه را نیز از خود متأثر کرد، به‌گونه‌ای که اولویت‌ها و اهداف ترکیه در سیاست خارجی رنگ تغییر به خود گرفت و توسعه اقتصادی افزایش صادرات، تأکید بر رشد اقتصادی به‌جای رشد نظامی و تسلیحاتی مورد توجه واقع شد؛ این سیاست در ادامه با روی کار آمدن اسلام‌گرایان نظیر اربکان و سپس اردوغان تداوم یافت و نتیجه آن رشد بی سابقه اقتصاد، کاهش چشمگیر نرخ تورم و افزایش خصوصی‌سازی در عرصه اقتصاد به بود (فاکون[۳]، ۲۰۱۹: ۱۸). می‌توان گفت از دهه ۱۹۸۰ در ترکیه پساکمالیسم، اصول بنیادی دولت سالاری، پوپولیسم و ناسیونالیسم به‌طور جدی متحول شده و جای خود را به دولت کارآمد و، شفاف تقویت جامعه مدنی و گروه‌های سیاسی و ناسیونالیسم فرامرزی و فراملی داد. اوزال پایه‌های مردمی خود را بر چهار ستون به‌عنوان مشی حزب گذارده‌بود حمایت از طبقه، متوسط محافظه کاری مذهبی بر پایه اسلام سنتی، ناسیونالیسم، لیبرالیسم و دموکراسی اجتماعی. در مجموع با سیاست‌های دوره اوزال، ساختار داخلی و بسترهای سیاسی، اقتصادی ترکیه زمینه لازم را برای جذب سیاست‌های موفق خارجی هموار کرد؛ در این میان، ساختارهای سیاسی، به‌طور خاص اهمیت داشته‌اند طی دوره‌های زمانی مختلف در ترکیه تفاوت‌هایی زیاد میان دموکراسی پارلمانی، دموکراسی هدایت‌شده (برای نمونه آنچه در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ حاکم بود) و رژیم‌های اقتدارگرا (در ترکیه میان سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳) وجود

---

۱ openness

۲ Köstem

۳ Facon

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

داشت. در ترکیه از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳ حکومت دیکتاتوری مستقیم نظامیان برقرار بود و حتی پس از ۱۹۸۳ آنها در تعیین سیاست‌های کشور نفوذ داشتند (ایوانز[۱]، ۲۰۱۸: ۱۳). در خلال دهه،۱۹۸۰ ترکیه، رژیم‌های سیاسی مختلفی را دید اما آنچه در سه سال نخست ظاهر شد، دیکتاتوری مستقیم نظامیان و دوره انتقالی بود که سرانجام راه را برای پارلمانی چند حزبی باز کرد؛ کودتای ژنرال اورن این دیکتاتوری را در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (با این ادعا که حکومت قادر نیست کار کند و احزاب سیاسی در انسجام و وحدت شکست‌خورده‌اند) استمرار یافت. ترکیه در خلال دهه ۱۹۸۰ تحت حاکمیت دیکتاتوری نظامی به‌گونه‌ای خاص از سیاست داخلی و خارجی گرایش یافت؛ ژنرال اورن ترکیه را یک کشور خاورمیانه‌ای برشمرد که در جستجوی الگویی تازه بود تا از آن پیروی کند بنابراین، ترکیه به همکاری در آسیای مرکزی و قفقاز مبتنی بر فرهنگ و زبان مشترک اقدام کرد انتقاد خارجی و اغلب اروپایی از ترکیه پس از ۱۹۸۰، محیطی ایجاد کرد که رهبران ترکیه را به جستجوی الگوهای جدید سیاست خارجی و داخلی مجبور ساخت و ابزاری شد برای گرایش به‌سمت خاورمیانه و کشورهای عضو سابق بلوک شرق اقتصاد و بازار آزاد تأکید بر نظم و آرامش داخل، قدرت گیری طبقه، متوسط توسعه مناطق کمتر توسعه یافته و کاهش تشریفات اداری که روی کار آمدن احزابی با گرایش‌های اقتصاد آزاد و اتخاذ رویکرد نئولیبرال در عرصه اقتصاد از گرایش‌های آنها حکایت داشته است (چاراپ[۲]، ۲۰۱۴: ۲۴).اوزال توانست تا زمان مرگ خود در سال ۱۹۹۳ میان منافع مختلف اعضای حزب که ناسیونالیست محافظه‌کار مذهبی لیبرال‌ها و دموکرات‌های اجتماعی بودند، تعادل برقرار کند؛ با این حال رفته رفته حزب مام میهن به‌دلیل رکودهای اقتصادی پیاپی و فساد اقتصادی کارکنان سیاسی از محبوبیت افتاد. پس از مرگ، اوزال فضای کشور از میانه روی به تندروی تغییر کرد. حزب به رهبری دمیرل و بعدها چیلر به دفاع از لیبرالیسم و بازار آزاد پرداختند؛ احزاب حرکت ملی و چپ دموکراتیک به ناسیونالیسم و حزب جمهوری خواه خلق هم‌بر یک اقتصاد مختلط تأکید داشتند. اهمیت سیاست‌های آزادسازی دوران اوزال با وجود ضعف‌های آن از آنجا ناشی می‌شود که جامعه ترکیه از زمان عثمانی جامعه‌ای دولت‌محور یا پدرسالار بود و این میراث در دوران جمهوری هم تداوم یافت به‌گونه‌ای که بخش خصوصی ضعیف و طبقات و اقشار مختلف به حمایت دولت نیاز داشتند و دولت را در همه عرصه‌های بین‌المللی به مثابه یک پدر برای خانواده بزرگ جامعه تلقی می‌کردند. ظهور اسلام گرایان در صحنه سیاسی ترکیه نیز که از دهه ۱۹۶۰ اتفاق افتاده‌بود، تا اواسط دهه ۱۹۹۰ به قدرتشان افزود حزب رفاه که از اعضای قدیمی حزب منحل شده سلامت بود به‌عنوان مهم‌ترین حزب اسلامی سر برآورد و به وزنه‌ای قابل توجه در صحنه رقابت سیاسی ترکیه تبدیل شد.

---

۱ Evans

۲ Charap

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

از نظر سیاسی آنچه باعث تقویت اسلام گرایی در دهه ۱۹۹۰، شد انحصار قدرت در احزاب چپ و راست برای سالهای طولانی و ناتوانی حکومت‌های متکی به این احزاب در حل بحران‌های اقتصادی، عدم درک هویت مردم و نادیده انگاشتن ارزش‌های آنها تعقیب سیاست خارجی غیر مستقل و... بود که کارایی احزاب دیگر را زیر سؤال می‌برد و آنها را به جستجوی راه حلی تازه در خارج از چارچوب احزاب رهنمون می‌ساخت. پس از اولین موفقیت حزب رفاه در انتخابات شهرداری‌های سال ۱۹۸۲، احزاب لائیک و نظامیانی که در رأس قدرت دولتی بودند درصدد نابودی اسلام گرایان برآمدند ولی به‌رغم این مخالفت‌ها، حزب رفاه با پیروزی در انتخابات ملی سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵، شوکی بزرگ را بر رژیم ترکیه وارد کرد؛ با این حال دولت ۱۱ ماهه اربکان پس از دسیسه چینی‌های فراوان از جانب سران لائیک ترکیه به‌ویژه نظامیان، سرانجام در سال ۱۹۹۷ سقوط کرد؛ پس از او با روی کار آمدن بیلماز، رهبر حزب مام میهن مخالف سرسخت اسلام گرایی بود و روابطی نزدیک با ارتش، داشت سرکوب نهادهای اسلام‌گرا شدت گرفت که به انحلال حزب رفاه انجامید. پس از انحلال حزب رفاه و صدور حکم قضائی ضد ارکان، رویکردهای اصلاح طلبانه‌ای جدید در داخل حزب به وجود آمد؛ رهبر این جریان، رجب طیب اردوغان بود که با تأسیس. عدالت و توسعه و وارد کردن عناصر ملی‌گرایی و لیبرال به داخل حزب، چرخشی مهم در روند حرکت‌های اسلامی ترکیه ایجاد کرد (بولینگ[۱]، ۲۰۱۳: ۵۶). از زمان اوزال در سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۲ که حزب تازه تأسیس حزب محافظه‌کار عدالت و توسعه[۲] توانست دولتی غیر ائتلافی تشکیل دهد، هیچ‌یک از احزاب یک دولت با دوام مبتنی بر اکثریت آرا تشکیل ندادند. سیاست‌های لیبرال، اوزال فضای اقتصادی ترکیه را در آستانه ورود به یک نظام (سیستم) انباشت سرمایه لیبرال قرار داد ولی تا حدودی تا سال ۲۰۰۲ به بن بست هم انجامید. پس از یک دوره زمانی از ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷، دولت توانست جهشی خیره کننده را تجربه کند و اگرچه در جذب سرمایه‌های خارجی موفق عمل کرد در کسب درآمدهای حاصل از خصوصی‌سازی، موفق نبود.

## ۳. یافته‌ها

### ۳-۱. شاخص‌های اصلاحات اقتصادی

۱ Bolling
۲ AKP

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

حزب عدالت و توسعه پس از روی کار آمدن به ایجاد تغییرهای کیفی در قانون اساسی - پرداخت که با هدف حمایت از سرمایه گذاری‌های اقتصادی خارجی و گشایش فضای اقتصادی بود؛ از جمله مهم‌ترین محورهای این تغییرها به شرح زیر است:

۱. تصویب قانون ۴۰۴۶ خصوصی‌سازی در سال ۱۹۹۴ با محورهای:
۲. کاهش مداخله دولت در فعالیت اقتصادی؛
۳. کاهش بار پولی بنگاه‌های اقتصادی دولتی بر بودجه ملی؛
۴. توسعه بازارهای سرمایه؛
۵. هدایت مجدد منابع به‌سوی سرمایه‌گذاری جدید.
۶. تشکیل شورای عالی خصوصی‌سازی به‌عنوان نهاد مسئول در خصوصی‌سازی ترکیه شامل دستگاه سازمان خصوصی‌سازی اجرای تصمیم‌های شورای عالی مشاوره به شورای عالی در امور انتقال بنگاه‌های اقتصادی دولتی به خصوصی و تجدید ساختار و نوسازی بنگاه‌های دولتی
۷. اجرای خصوصی‌سازی اقتصادی از طریق، فروش اجاره تفویض حقوق عملیاتی، ایجاد حقوق مالکانه و مدل سهمیه سود.

اصول و اولویت‌های اجرای خصوصی‌سازی اقتصادی در ترکیه به شرح زیر بوده است:

- کاستن از بیکاری ناشی از خصوصی‌سازی از طریق تأمین اجتماعی؛
- افزایش مشارکت در اجرای خصوصی‌سازی؛
- افزایش شفافیت فعالیت‌های خصوصی‌سازی؛
- محافظت از بازار آزاد در برابر سازوکارهای ضد رقابتی و محافظت از انحصار؛
- افزایش پخش سرمایه در لایه‌های جامعه؛
- اولویت به خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی؛
- تأمین نفع عمومی از طریق سهم طلایی در مؤسسه‌های راهبردی؛
- خصوصی‌سازی منابع طبیعی از طریق واگذاری حقوق مالکیت (صادقی، حسین و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳۱-۱۵۴).

به‌علاوه سازمان‌هایی که در دستور کار خصوصی‌سازی قرار گرفتند:

- بنگاه‌های اقتصادی، دولتی بنگاه‌های، وابسته، عملیات واحدهای عملیاتی و دارایی آنها
- سهام عمومی و سهام سازمان‌های تجاری بی تعلق به بنگاه‌های اقتصادی دولتی؛
- سهام عمومی و سهام متعلق به خزانه؛
- سازمان‌های تأمین و تولیدکننده کالا و خدمات دارای بودجه ملی و تکمیلی؛

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

اجرای خصوصی‌سازی نیز از سال ۱۹۸۴ با انتقال کارخانه‌های ناتمام بنگاه‌های اقتصادی دولتی به بخش خصوصی و به قصد تکمیل آنها آغاز شد. در سال ۱۹۸۶ خصوصی‌سازی سرعت گرفت و از پانزده کارخانه خصوصی‌سازی شده به ۱۷۴ شرکت رسید (گری[۱]، ۲۰۱۹: ۵۲).

در سال ۱۹۸۵ کل دریافتی از اجرای خصوصی‌سازی ۹/۸ میلیارد دلار، بود، در حالی که کل عواید نهادها در دوران برنامه خصوصی‌سازی از سال ۱۹۸۵ تا دسامبر ۲۰۰۲ با احتساب ۱/۲ میلیارد دلار سود سهام و ۹/۱ میلیارد دلار درآمدهای دیگر به ۹/۱۱ میلیارد دلار رسید.

در نتیجه:

- دولت از صحنه صنعت و خدمات و توزیع کنار گذاشته شد.
- دولت از بنادر و پالایش نفت کنار کشید.
- خصوصی‌سازی بانک‌های عمومی موجب شد تا عرضه ۱۲ درصد سهام دولتی اسیش بانک در ۱۹۹۸، در سطح داخل و خارجی بزرگ‌ترین عرضه را در طول تاریخ ترکیه تجربه کند.

بدین ترتیب، بخش‌هایی عظیم از دارایی‌ها و سهام دولتی خصوصی‌سازی شد و کنترل منابع اقتصادی در لایه‌های مختلف جامعه تکثیر یافت و به‌تدریج انحصار منابع اقتصادی از دست گروه اندک از طریق آزادسازی اقتصادی خارج و بورژوازی مسلمان آناتولی جان گرفت. تحت‌تأثیر مکتب نیولیبرالیزم با نهادینه شدن گزاره‌های لیبرال دموکراسی و گسترش تکثر اجتماعی، «کمرنگ‌تر شدن نقش دولت، کاهش انحصارها و تضعیف اتاق بازرگانی» به وقوع پیوست که در مقابل بورژوازی مسلمان آناتولی ایی به مثابه بورژوازی صنعتی و حامی ایستارهای دموکراتیک قرار گرفت؛ این بورژوایی زیر یوغ ساختارهای آمرانه قدرت نبود و بیشترین سود را از آزادسازی اقتصادی و دموکراسی برد (کرمی، ۱۳۹۳: ۱۷). تا پیش از این بوروژوازی دولت‌محور استانبول مهم‌ترین صنایع و نبض اصلی اقتصاد ترکیه را در دست داشت و به شیوه‌ای به‌طور کامل انحصاری و غیر رقابتی از حمایت‌های دولتی مانند دریافت یارانه و تعرفه بالای، گمرکی بهره‌مند می‌شد ببرهای آناتولی همان بخش‌های به حاشیه رانده شده اجتماع بودند که تا چندین دهه پس از شکل گیری جمهوری سکولار، در پیله اجتماعی خود فرورفته بودند و بر اثر تحرک اجتماعی ناشی از آزادسازی اقتصادی دهه ۱۹۸۰ به صحنه سیاست و جامعه قدم گذاشتند و تعیین کنندگی جدی به‌دست آوردند ببرهای آناتولی براساس تفسیر سازه انگار از آموزه‌های دینی اسلام را دینی می‌دانند که به‌شدت با فردیت بازار و لیبرالیسم اقتصادی هماهنگ است. باز تفسیری که ببرهای آناتولی از اسلام ارائه دادند و با تمسک به آن ادبیات دینی خاص، فعالیت خود را آفریدند، یادآور نقشی است که آموزه‌های پروتستان در برهه‌ای از تاریخ اروپا

---

۱ Gray

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

ایفا کرد: تأکید بر سخت کوشی پرهیزگاری، دینی، مذموم بودن اسراف و اتلاف منابع. امروزه طبقه بورژوایی شکل گرفته از تغییرهای اساسی ساختاری دوره اوزال حامی نهادینگی دموکراسی در ترکیه است (کاتز[۱]، ۲۰۱۶: ۶۵).

### ۲-۳.. تصویب قانون حمایت از سرمایه خارجی

اقتصاد ترکیه جزو هفده اقتصاد بزرگ جهان و ششمین اقتصاد اروپاست؛ اقتصاد این کشور در دهه ۱۹۹۰ در جریان اجرای خصوصی‌سازی با تورمی بسیار روبه‌رو شد که برای حذف آن به جذب سرمایه گذاری خارجی اقدام کرد اصلاح قوانین جذب و ایجاد فضای امن برای سرمایه‌گذار ان خارجی، بستر لازم را جهت ورود سرمایه‌ها فراهم کرد؛ از سوی دیگر امضای توافق نامه‌های دو و چندجانبه با کشورهای مختلف اصلی‌ترین حامی سرمایه خارجی در این کشور بود. ارائه ضمانت به سرمایه‌گذار ان خارجی در انتقال سود آنها در کنار انگیزه بازارهای پررونق داخلی و محلی، نیروی کار ماهر و زیرساخت‌های صنعتی و اقتصادی توسعه یافته تسهیل گری دیگر بود. در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ قوانین چهارگانه اقتصادی در حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی وضع شد:

- آزادی سرمایه‌گذاری در ترکیه با حذف موانع پیشین؛
- تضمین ضمانت نامه‌های موجود در بستری شفاف؛
- ارتقای سیاست‌های مبتنی بر سرمایه‌گذاری خارجی در انطباق با استانداردهای بین‌المللی؛
- تغییر سیاست کنترل بر سرمایه‌گذاری؛

این قوانین، بستر لازم را برای سرمایه گذاری‌های خارجی فراهم کرد (هادسون[۲]، ۲۰۱۷: ۴۹).

در فاصله سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ سرمایه‌گذاری خارجی سالانه، ترکیه ۴۵۶ میلیون دلار بود و در سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ترکیه ۲۱ درصد رشد کرد و به ۲۰ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۰۳ پس از وضع قانون ۴۸۷۵ سرمایه‌گذاری خارجی، میزان این سرمایه گذاری‌ها ۵۵ درصد رشد کرد تصویب قانون و اصلاح زیر ساخت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در این کشور آسیایی اروپایی ورود سرمایه‌های خارجی را به‌شدت تقویت کرده، در سال ۲۰۰۵ به ۹ میلیارد و ۶۶۷ میلیون دلار رساند؛ یعنی در مقایسه با سال ۲۰۰۴، حدود سه برابر شد. در سال ۲۰۰۶، ورود سرمایه‌های خارجی به ۲۰ میلیارد دلار افزایش یافت؛ به‌عبارتی سرمایه‌گذاری یک سال خارجی در

---

۱ Katz

۲ Hudson

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

ترکیه معادل یک دهه شد به‌گونه‌ای که تا پایان ۲۰۱۰، میزان این سرمایه‌گذاری‌ها به ۶۰ میلیارد دلار رسید (کوچما[۱]، ۲۰۱۴: ۶۴).

### ۳-۳.. افزایش بهره وری نیروی انسانی در ترکیه

پیاده سازی سیاست‌های نئولیبرال نیروهای غیر ماهر کار ترکیه را به بهره وری واداشت. ترکیه در کنار بهره مندی از موقعیت ترانزیتی، مناسب کشاورزی پیشرفته قابلیت جذب توریسم و دسترسی به آب‌های آزاد سرمایه انسانی خوبی نیز دارد مشارکت راهبردی با غول‌های اقتصادی آمریکا، روسیه، آلمان و اروپا موجب خلق نیروهای بهره‌ور شده‌است. موقعیت جغرافیای و رابطه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز این کشور را به‌واسطه و راهنمای اروپا و آمریکا تبدیل کرد به‌طوری که کاهش ۱۱ درصدی بیکاری را در مقایسه با دیگر کشورها نشان‌می‌دهد.

### ۴-۳. اتخاذ سیاست‌های پولی و بانکی خاص

بانک مرکزی، ترکیه نقشی مهم در کنترل سیاست‌های پولی، عرضه پول، اعتبار بخشی به بانک‌ها و تعیین نرخ‌های ارز خارجی به عهده داشت و در سیاست مالی بانک، مرکزی، بخش مشاوره اداره خزانه داری کل ترکیه نقشی بسیار مهم ایفا کرد. سیاست اعتباردهی پس از سال ۱۹۸۰، موانع محدودکننده را حذف کرده فضای اقتصادی را پررقابت کرد. انتقال پول و سرمایه‌های داخلی و خارجی این کشور با سیاست مالی مبتنی بر نئولیبرالیسم تحقق یافت به‌گونه‌ای که به‌جز بانک‌های دولتی بیش از هفتاد بانک خصوصی و بیست بانک خارجی در ترکیه فعال شد (هادسون[۲]، ۲۰۱۷: ۲۷).

### ۵-۳. روابط نامتقارن و سیاست زده اقتصادی ترکیه با روسیه

رشد سریع جریان تجارت و سرمایه میان ترکیه و روسیه از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ تا اواخر سال ۲۰۱۰ این برآورد را در تحلیل بسیاری از ناظران برجسته ساخت که روابط اقتصادی پایدار در حال تحکیم بنیان‌های مشارکت راهبردی دو کشور است. صادرات ترکیه به روسیه از ۱ میلیارد دلار در دهه ۱۹۹۰ به ۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ افزایش یافت در حالی که در همین دوره واردات از روسیه از ۱ میلیارد دلار به حدود ۲۵ میلیارد دلار رسید این حجم تجاری منجر به تعمیق کسری تجارت خارجی ترکیه در برابر روسیه شده‌است. بعد از بحران ساقط کردن جنگنده روسی این کسری تجاری حتی تشدید شده و موجی از نگرانی میان تصمیم گیران اقتصادی ترکیه به وجود آورده‌است. تنها حوزه‌ای

۱ Kuchma

۲ Hudson

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

که ترک‌ها امیدوار به جبران کسری تجاری با روس‌ها هستند بخش صنعت گردشگری این کشور است؛ ترکیه سالانه میزبان حدود ۴۰ میلیون گردشگر خارجی است و سالانه نزدیک به ۴، ۵ میلیارد دلار به اقتصاد ترکیه تزریق می‌کنند بخش خصوصی که موتور محرکه رشد روابط تجاری دو کشور در دهه ۲۰۰۰، بود اکنون به‌دلیل رکود اقتصادی روسیه و موج جدید بحران‌های مالی ترکیه (۲۰۱۸) تمایل کمی به تداوم فعالیت‌های بازرگانی از خود نشان‌می‌دهد (دونایوا[۱]، ۲۰۱۲: ۱۳).

روابط اقتصادی دوجانبه میان ترکیه و روسیه شامل سه حوزه اصلی تجارت، سرمایه‌گذاری و گردشگری می‌شود حجم روابط تجاری از ۴، ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به حدود ۳۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ رشد قابل توجهی را تجربه کرده است؛ به‌دلیل رکود اقتصادی دو کشور در سالهای گذشته و تحریم‌های غرب این حجم به حدود ۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ کاهش یافته‌است اما همچنان روسیه اولین شریک تجاری ترکیه است. در حوزه سرمایه‌گذاری شرکت‌های ترکی به‌ویژه در بخش ساخت و ساز نفوذ گسترده‌ای در بازارهای روسیه داشته‌اند؛ شرکت‌های ترک بیش از ۳۹ میلیارد دلار در بخش بازار ساخت و ساز روسیه سرمایه‌گذاری کرده‌اند در سالهای گذشته بخش خصوصی ترکیه حتی نفوذ فزاینده‌ای در بخش تولید و پخش مواد غذایی روسیه داشته‌اند و حدود ۱۰ درصد از محصولات مواد غذایی روسیه از سوی شرکت‌های ترکی تأمین می‌شود افزایش حضور بازرگانی و تجاری ترکیه در بازارهای روسیه سبب شده‌است که هفت بانک بزرگ ترکیه شعبه‌های خود را در شهرهای مهم اقتصادی روسیه افتتاح کنند. گردشگری حوزه دیگر روابط اقتصادی میان دو کشور است. از سال ۲۰۱۲ با برداشته شدن ویزا به‌مدت ۶۰ روز ترکیه به مقصد اصلی گردشگران روسی تبدیل شده‌است و سالانه حدود ۶ میلیون روس به شهرهای مختلف ترکیه سفر می‌کنند (کورتونوف[۲]، ۲۰۱۵: ۳۰).

### ۶-۳. رویکردهای واگرایانه در حوزه انرژی

تجارت انرژی مهم‌ترین منبع پیوندهای راهبردی در روابط اقتصادی ترکیه و روسیه است. روسیه حدود نیمی از نیازهای گاز طبیعی ترکیه را تأمین می‌کند که عامل مهمی در ایجاد تراز نامتوازن تجاری بین دو کشور است وابستگی شدید ترکیه به منابع گاز طبیعی روسیه همواره نگرانی جدی در تأمین نیازهای انرژی اقتصاد در حال رشد این کشور بوده است. در مقابل، روسیه نیز به‌دنبال ایجاد مسیرهای جایگزین برای انتقال گاز خود به اروپاست تا وابستگی‌اش به ترکیه کم شود. در سالهای

۱ Дунаева
۲ Kortunov

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

اخیر تصمیم گیران هر دو کشور در مسئله عرضه انرژی، بازارهای صادراتی و همچنین مسیرهای انتقال برای کاهش وابستگی به دیگر کشورها از «راهبرد تنوع سازی» پیروی می‌کنند بعد از بحران اوکراین (۲۰۱۴)، راهبردهای انرژی دو کشور اولویت‌های متفاوتی را دنبال می‌کند؛ بین سیاست ترکیه برای تبدیل شدن به قطب انرژی منطقه و تمایل‌های روسیه برای تسلط بر مسیرهای انتقال انرژی از خزر و خاورمیانه به اروپا تجانس راهبردی ندارد حاکم بودن دیدگاه ژئوپلیتیک محور در معادله‌های انرژی موجب تغییر توازن قدرت به سود کشورهای تولیدکننده و انتقال دهنده همچون روسیه و ترکیه شده‌است. ترکیه به‌عنوان یک راهروی انرژی از نقش و جایگاه ژئوپلیتیکی بسیار راهبردی برخوردار است که در حدود بیش از ۷۰ درصد از ذخایر گاز طبیعی و نفت جهان را به اروپا و دیگر نقاط دنیا منتقل می‌کند رهبران ترکیه به‌منظور کنشگری فعال در معادله‌های جهانی انرژی به‌دنبال بهره برداری از موقعیت راهبردی خود برای تبدیل شدن به قطب فرامنطقه‌ای انرژی هستند در مقابل راهبرد روسیه برای کنترل حمل و نقل انرژی خزر، خاورمیانه و به‌تازگی مدیترانه شرقی موجب برخورد با سیاست‌های ترکیه‌ای شده‌است که به‌دنبال به‌دست گرفتن نقش اساسی در راهروی انرژی شرق به غرب است. رهبران روسیه به‌دلیل مسائلی که با اوکراین و روسیه سفید دارند هر چند ترکیه را شریک حمل و نقل و جایگزینی در دسترس برای خود در نظر گرفته‌اند برای کاهش نقش و موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه به یک راهروی انتقال صرف تلاش می‌کنند با توجه به سیاست‌های انحصاری مسکو در کنترل مسیرهای انتقال، انرژی تبدیل شدن ترکیه به قطب انرژی منطقه و به دنبال آن پدیدار شدن رقیب جدید برای روسیه سناریوی مطلوبی را پیش روی دولت پوتین نمی گذارد (مک فارلین۱، ۲۰۱۶: ۱۴). از این رو به‌اعتقاد برخی از کارشناسان حوزه انرژی سیاست‌های بلندمدت روسیه بر بستن مسیرهای جایگزین انتقال انرژی به اروپا از راه ترکیه استوار شده‌است. بخشی از کنشگری فعال روسیه در معادلات ژئوپلیتیکی شرق مدیترانه به‌ویژه سوریه و لیبی در جهت سیاست‌های بلندمدت انرژی این کشور ارزیابی می‌شود. روسیه مخالف جدی طرح‌های خطوط لوله- باکو- تفلیس- جیحان و باکو- تفلیس - ارزروم بوده است. روسیه همچنین هرگز نگاه مثبتی به طرح ناباکو نداشته‌است. در مقابل ناباکو روسیه طرح جریان جنوبی را به‌عنوان جایگزینی برای ناباکو و همه طرح‌های مورد حمایت اتحادیه اروپا پیشنهاد می‌دهد طرح جریان جنوبی گاز روسیه را از دریای سیاه به بلغارستان و سپس به یونان ایتالیا و با احتمال استرالیا حمل خواهد کرد.

---

۱ Macfarlane

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

از سوی دیگر سیاست تنوع سازی ترکیه در حوزه انرژی بیشتر متوجه مسیرهای انتقالی مستقل از روسیه به‌ویژه ذخایر دریای خزر و خاورمیانه و همچنین بهره برداری از مبادی انرژی‌های تجدیدپذیر است ترکیه روابط ویژه‌ای با جمهوری آذربایجان در حوزه انرژی دارد؛ خط لوله گاز باکو تفلیس ارزروم و خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان مسیرهای انرژی اصلی میان ترکیه و جمهوری آذربایجان است علاوه بر جمهوری آذربایجان، ترکیه در راستای این سیاست نگاهی هم به ذخایر انرژی خاورمیانه دارد. در سال ۲۰۰۶، مصر، سوریه، اردن، لبنان، رومانی و ترکیه موافقت نامه‌ای امضا کرده‌اند که در آن گاز کشورهای عربی از دریای مدیترانه و سوریه وارد ترکیه و بعد بازارهای اروپا خواهد شد. در سالهای اخیر رهبران ترکیه همچنین به‌دنبال تعریف طرح‌هایی برای انتقال منابع انرژی، ایران قطر و کردستان عراق به جنوب اروپا بوده‌اند با وجود بی ثباتی‌هایی که در منطقه وجود دارد عملیاتی شدن آن در کوتاه مدت بعید به نظر می‌رسد اما مسیرهای نام‌برده بی‌تردید در بلندمدت از جایگزین‌های اصلی ترکیه خواهند شد. در مقابل پوتین با تکیه‌بر روابط شخصی خود تلاش پایداری برای همراه ساختن اردوغان در عملیاتی کردن فازهای مختلف طرح خط لوله جریان ترک انجام داده است تا از انحصارگری گازپروم در بازارهای جنوب اروپا اطمینان پیدا کند.

### ۷-۳. عاملیت ناپایدار رهبری؛ ترجیح‌های رقابتی پوتین و اردوغان

از اوایل هزاره جدید، روابط شخصی پوتین و اردوغان نقش انکارناپذیری در توسعه بی سابقه روابط روسیه و ترکیه داشته است. شباهت‌های زیادی در گرایش‌های اقتدارگرایانه و سبک رهبری آنها وجود دارد اما به‌ضرورت این دو رهبر مقتدر را به شریک‌های طبیعی یکدیگر تبدیل نمی‌کند. در سال‌های اخیر برخی از جریان‌های فکری در حزب عدالت و توسعه تصور می‌کردند که برخلاف اتحادیه اروپا و ایالات متحد روسیه نگاه هم ترازی به ترکیه دارد. در حالی که مسکو از نظر تاریخی بازیگر مسلط در روابط ترکیه و روسیه بوده است و نگاه متفاوتی نسبت به آنکارا ارائه می‌کند؛ برای روس‌ها ترکیه همواره یک همسایه جنوبی دردسرساز و شریکی ناتمام بوده است (اوزدال، ۲۰۲۰: ۱۷۶-۱۶۲). با توجه به تداوم اعتمادی، متقابل ضرورت‌های نوین بین‌المللی و منطقه‌ای سبب شده‌است که رهبران دو کشور در مسائل مختلف همکاری را بر رقابت ترجیح دهند در این میان، بهره برداری ظرفیت‌های یکدیگر برای ابزارسازی در روابطشان با اتحادیه اروپا و آمریکا اهمیت دارد.

پوتین، اردوغان را مرد اول سیاست و حکومت ترکیه می‌داند که نبض جامعه را در دست دارد. او به‌خوبی می‌داند که چگونه پایگاه طرفداران خود را برای رسیدن به هدف‌های مورد کند. هرچند این

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

تصور بعد از کودتای سال ۲۰۱۶ و تشدید قطب بندی در ترکیه و نظر بسیج همچنین آسیب پذیری دولت اردوغان کمی خدشه‌دار شده‌است گرایش‌های ضد غرب گرایانه اردوغان و آمادگی او برای به چالش کشیدن ارزش‌های سیاسی و ترجیح‌های راهبردی اتحادیه اروپا و آمریکا، او را به شریک جذابی برای پوتین تبدیل کرده است پوتین به توسعه روابط با ترکیه به‌عنوان فرصتی برای ایجاد اختلال در کارکرد اتحاد فراآتلانتیکی به‌ویژه ناتو می‌نگرد (پین۱، ۲۰۱۵: ۱۶۳).

اردوغان، پوتین را رهبری تمامیت خواه تصور می‌کند که برای رویارویی با بحران مشروعیت داخلی در روسیه در به کار گرفتن رویکردی تقابل گرایانه با غرب می‌کوشد. این خود فرصتی مغتنم برای پیگیری دستور کارهای سیاسی اردوغان در روابط با قدرت‌های غربی برآورد می‌شود تا نسبت به موقعیت تضعیف شده ترکیه در اتحاد فرا آتلانتیک بازنگری کنند. در دهه گذشته ترکیه تقریباً در همه اقدام‌های ناتو برای مهار روسیه جانب بی طرفی و احتیاط را در پیش گرفته است اردوغان به خوبی می‌داند که پوتین محبوبیت بالایی در ترکیه ندارد، اما در مقایسه با رهبران غربی ترک‌ها اعتماد بیشتری به پوتین دارند ۲۰ درصد از افکار عمومی ترکیه به مشارکت پوتین اطمینان دارند در حالی که تنها ۱۱ درصد به ترامپ اعتماد می‌کند (سالاری۲، ۲۰۱۷: ۱۶). واقعیت این است که یک بدبینی تاریخی و ذهنیت منفی نسبت به روسیه و رهبران آن در جامعه محافظه‌کار ترکیه وجود دارد.

دیدگاه‌های متفاوت و گاهی متعارض به مسئله تروریسم و افراطی گرایی مذهبی از دیگر دلیل‌های بی اعتمادی دو رهبر اقتدارگرا نسبت به هدف‌های پشت پرده یکدیگر است. روسیه همواره نسبت به بهره برداری ترکیه از جریان‌های تکفیری داعش و جبهه النصره در شامات سوءظن دارد به‌ویژه برخی از نیروهای این جریان‌های بنیادگرا را چچنی‌هایی تشکیل می‌دهند که خود از تهدیدهای امنیت ملی روسیه است از سوی دیگر پوتین از پیامدهای داخلی متأثر از اسلام سیاسی اردوغان برداشت تهدید می‌کند حدود ۱۵ درصد از جمعیت روسیه مسلمان هستند. بیشتر مسلمانان تاتار پیوند عمیق قومی و فرهنگی با مسلمانان ترک دارند. حتی بسیاری از مسلمانان غیر ترک روسیه مانند چچن‌ها ارتباطات تاریخی با ترکیه دارند و این کشور میزبان اصلی جامعه مهاجران چچنی است از نگاه، پوتین موفقیت‌های اسلام سیاسی اردوغان در ترکیه می‌تواند جامعه مسلمانان روسیه را سیاسی و تحریک به کنشگری کند (شاکویی۳، ۲۰۱۴: ۱۷).

---

۱ Payne

۲ Safari

۳ Shakuie

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

## ۴-بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل گسترده‌ای که در این پژوهش انجام شد، می‌توان نتیجه گرفت که روابط اقتصادی بین ترکیه و روسیه، در دوران پوتین تأثیر مستقیم و مهمی بر دینامیک هر دو کشور و منطقه‌ی خاورمیانه داشته است. بررسی تاریخچه‌ی روابط دوجانبه، نشان‌می‌دهد که این روابط در مواقعی تنش‌آمیز بوده و در مواقعی همکاری و همسوی بین دو کشور رخ داده است. به‌عبارت دیگر، هر دو کشور از تجارت با یکدیگر نفع می‌برند و ثانیاً بخش مهمی از کالاهای ضروری خود را از یکدیگر تأمین می‌کنند. البته بایستی به این نکته نیز اشاره کرد که ترکیه برای اینکه به روسیه در تأمین نیاز انرژی اش متکی محض نباشد به سیاست تنوع بخشی در زمینه‌ی فروشندگان نفت و گاز روی آورده‌است که ایران و آذربایجان دو تأمین کنندۀ بزرگ گاز این کشور بعد از روسیه می‌باشند. در آینده، ادامه‌ی روند تحولات سیاسی و اقتصادی در ترکیه و روسیه می‌تواند تأثیر مستقیمی بر روابط دوجانبه داشته باشد. با توجه به تصمیمات و اصلاحات اقتصادی در ترکیه، مشخص است که این کشور به‌دنبال افزایش بهره‌وری اقتصادی و جلب سرمایه‌گذاری خارجی است. اما در عین حال، روابط نامتقارن و سیاست زده اقتصادی ترکیه با روسیه می‌تواند به تنش‌های بیشتر در روابط دوجانبه منجر شود. نقش رهبرانه در تصمیم‌گیری‌های دو کشور، از جمله ترجیحات رقابتی پوتین و اردوغان، بر تحولات روابط دوجانبه تأثیر گذار است. با این حال، همکاری و تعامل میان دو کشور در زمینه‌هایی مانند انرژی، می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تقویت روابط دوجانبه کمک کند. بنابراین، آینده روابط اقتصادی ترکیه و روسیه، بستگی به تصمیمات و اقداماتی دارد که هر کشور در جهت توسعه و تعامل میان‌دوجانبه خود انجام دهد.

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

## منابع


۱. آقایی، داوود، طاهری، ابراهیم (۱۳۹۶)، تبیین ژئواکونومیک نظم منطقه‌ای خاورمیانه و آسیای مرکزی در سیستم جهانی، *مطالعات اوراسیا مرکزی*، ۲(۲۱)، ۲۷۰-۲۵۵.

۲. پرنیان امیر، قربانی گلشن‌آباد محمد، یوسفی جویباری محمد(۱۴۰۲). آسیب‌ها و فرصت‌های اقتصادی سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز (مطالعه موردی ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان)، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۲(۴۳)، ۲۴۱-۲۲۵.

۳. روحی, شفیعی, نوذر. (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل روابط روسیه و ترکیه بر اساس تئوری لیبرالیسم (۲۰۰۲-۲۰۱۴). *فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*, ۷(۲۵), ۲۶-۴۶.

۴. زادوخین، آ. گ (۱۳۸۴)سیاست خارجی روسیه؛ خودآگاهی و منافع ملی، ترجمه مهدی سنایی، تهران: *انتشارات مؤسسه تحقیقات و مطالعات ابرار معاصر تهران*.

۵. کرمی, جهانگیر, نجفی. (۱۳۹۸). همکاری‌های روسیه و ترکیه: هدف‌ها، گستره و چشم‌اندازها. *مطالعات اوراسیا مرکزی*, ۴(۹), ۵۹-۷۸.

۶. کریمیان, کرمی, جهانگیر. (۱۳۹۸). سیاست اوراسیایی ترکیه: منافع و دستاوردها. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*, ۹(۲), ۱۳۳-۱۶۰.

۷. کولایی الهه، نوری علیرضا (۱۳۸۹) عملگرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه»، *فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم‌سیاسی*، ۴۰(۲) ، ۲۲۸-۲۰۹.

۸. گل محمدی, ولی. (۱۴۰۰). روابط ترکیه و روسیه در جهان پساغربی؛ از رقابت ژئوپلیتیکی تا مشارکت راهبردی؟. *مطالعات اوراسیا مرکزی*, ۱۴(۱), ۳۵۳-۳۷۶.

۹. نجفی مهدی، نائبیان جلیل، احدی پرویز و یوسفی جویباری محمد(۱۳۹۹). بررسی تأثیرات دیپلماسی اقتصادی در امنیت مرزی ایران و ترکیه، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۹(۳۳)، ۲۸۸-۲۶۵.

10. Abramov, A., Radygin, A., Entov, R., & Chernova, M. (2017). State ownership and efficiency characteristics. Russian Journal of Economics, 3(2), 129-157. [DOI:10.1016/j.ruje.2017.06.002].
11. Averre, Derek (September/October 2018) "Russian Foreign Policy and the Global Political Environment". Problems of Post-Communism. 55(5): 28–39.the Global Political Environment". Problems of Post-Communism. 55(5): 28–39.
12. Bolling, R., & Krauthoff, L. C. (2013). National policy making in a global economy: The case for US economic planning. Long Range Planning, 16(3), 25-39. [DOI:10.1016/0024-6301(83)90029-8]


[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

13. Charap, Samuel (January- February 2014), the Petersburge Experience: Putin's Political Career and Russian Foreign Policy". Problems of Post-Communism.51(1)
14. Energy Strategy of the Russian Federation up to (2019).Ministry of Energy of The Russian Federation, November 13, Available at: http://www.energystrategy.ru/projects/docs/ES-2030_(Eng).pdf
15. Erşen, Emre (2019), "The Return of Eurasianism in Turkey Relations with Russia and beyond", in: Turkey's Pivot to Eurasia, Routledge, pp. 31- 49.
16. Erşen, Emre (2019), "The Return of Eurasianism in Turkey Relations with Russia and beyond", in: Turkey's Pivot to Eurasia, Routledge, pp. 31- 49.
17. Evans, Graham, Richard Newnham (2018), "the Penguin Dictionary of International Relations", London: Penguin Books.
18. Gray, Colin S. (2019), "Strategic Culture as Context: The First Generation of Theory Strikes Back", Review of International Studies, Vol. 25, No. 1.69.
19. Hudson, Valerie M.ed (2017), Culture and Foreign Policy, Boulder: Lynne Rienner.
20. Karami, J. (2014). [Paradox of development models in Russia; three decade of research and their approaches (Persian)]. Political Science Quarterly, 10(28), 97-140.
21. Katz, Mark N. (2016). Putin, Ahmadinejad and the Iranian Nuclear Crisis.MIDDLE EAST POLICY, VOL. XIII, No. 4, winter 2006, pp.125-131
22. Kortunov, Sergei (October - December 2015) "Invigorating Russia's Foreign Policy". Russia in Global Affairs. 3(4): 24-35.
23. Köstem, Seçkin (2018) (a), "Different Paths to Regional Hegemony: National Identity Contestation and Foreign Economic Strategy in Russia and Turkey", Review of International Political Economy, Vol. 25, No. 5, pp. 726-52.
24. Kuchma, Anna (2014), "Russian economy in recession - Alexei Ulyukayev", Available at: http://in.rbth.com/economics/russian_economy_in_recession alexei_ulyukayev_35259. Html, Accessed on: 18 May 2014.
25. Macfarlane, S. Neil (2016) "The 'R' in BRICs: Is Russia an Emerging Power? ". International Affairs. 82(1): 41–57.
26. Margelov, Mikhail (September 16, 2003) "Victory on Points: Pragmatism in Foreign Policy". HTML: http://eng.globalaffairs.ru/printver/485.html.
27. Özdal, Habibe, Hasan Selim Özertem, Kerim Has and M. Turgut Demirtepe (2020), Turkey–Russia Relations in the Post-Cold War Era: Current Dynamics, Future Prospects, USAK Report No. 13–06, Ankara: International Strategic Research Organization.
28. Özdal, Habibe, Hasan Selim Özertem, Kerim Has and M. Turgut Demirtepe (2013), Turkey–Russia Relations in the Post-Cold War Era: Current

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]

Dynamics, Future Prospects, USAK Report No. 13–06, Ankara: International Strategic Research Organization.

29. Payne, Daniel, P (2015), "Paper Examines Russian Orthodoxy's Influence on Kremlin Foreign Policy", Avalaible at: http://www.eurasianet.org/node/76086, Accessed on: 21/02/2017.
30. Primakov, Evgenii (2016) “The Multipolar World at the Horizon”. Mezshdunarodnaya Zshizn. 10: 3-13.

[ Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27 ]